چون آنرا مشاهده کردم کفتم سبحان الله مختار از من پرسید کچرا
سبحان الله کفتی قصهٔ دعای علی بن الحسین را رضی الله عنهما با وی
کفتم مرا سوکند داد که تو خود شنیدی که آنرا از وی کفتم بلی فرود
آمد و دو رکعت نماز کذارد و بعد ازان ساعتی درنک کرد و سر بسجده
نهاد و دیری در سجده بود پس سر برداشت و روان شد و من نیز
با او روان شدم راه وی بر در خانهٔ من افتاد و ویرا اعاه کردم که
فرود آی که طعامی حاضر کنم کفت ای منهال مرا خبر دادی که خدای
تعالی دعاهای علی بن الحسین را رضی الله عنهما اجابت کرد پس میکوی
که بیا تا چیزی خوریم امروز روز آنست که روزه دارم شکرانهٔ آنرا که
خدای تعالی مرا این توفیق داد **محمد بن علی بن الحسین**
رضی الله تعالی عنهم وی امام پنجم است کنیت وی ابو جعفر است
و لقب وی باقر و تسمی بذلک لتبقره فی العلم و هو توسعه فیه مادر
وی فاطمه بود بنت الحسن بن علی رضی الله عنهما ولادت وی
در مدینه بود روز جمعه سیم ماه صفر سنه سبع و خمسین من الهجرة
پیش از قتل امیر المؤمنین حسین رضی الله عنه بسه سال و وفات
وی در سنه اربع عشر و مائة بود و سن وی آن وقت پنجاه
و هفت بود و قبر وی در بقیع است نزدیک پدر وی وی
کفته است که بر جابر بن عبد الله رضی الله عنه در آمدم و بر وی
سلام کفتم در وقتی که چشم وی پوشیده شده بود سلام مرا جواب داد

کفت

کفت کیستی تو کفتم محمد بن علی بن الحسین کفت ای فرزند من بیشتر آی
بیشتر آمدم دست مرا ببوسید پس میل کرد تا پای مرا ببوسید من دور
شدم کفت ان رسول الله صلی الله علیه و سلم یقرأک السلام من کفتم و
علی رسول الله السلام و رحمة الله و برکاته پس کفتم این چه بوده است
ای جابر کفت روزی با رسول بودم صلی الله علیه و سلم مرا کفت ای
جابر شاید که تو بمانی تا آن وقت که ملاقات کنی با یکی از فرزندان
من که ویرا محمد بن علی بن الحسین کویند خدای تعالی ویرا نور و حکمت
خواهد داد ویرا از من سلام رسان و در روایتی دیکر از جابر
رضی الله عنه چنین آمده است که کفت قال لی رسول الله صلی الله
علیه و سلم یوشک أن تبقی حتی تلقی ولدا من الحسین یقال له محمد یبقر
علم الدین بقرا فاذا لقیته فاقرأه منی السلام و در بعض روایات
چنین آمده است که رسول صلی الله علیه و سلم جابر کفت که بقای تو بعد
از ملاقات وی اندکی خواهد بود هم دران چند روز جابر وفات
کرد رضی الله عنه و از وی کرامات و خوارق عادات بسیار
روایت کرده اند **و از انجمله آنست** که یکی از ثقات کوید که
با محمد بن علی بن الحسین رضی الله عنهم بدار هشام بن عبد الملک
بکذشتیم در آن وقت که بنای آن می کردند فرمود که والله که این
دار خراب کرده شود و والله که خاک این را از اینجا نقل کنند
و والله که هر آینه سنکهای بنای آن ظاهر شود در آن وی میکوید که

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com) 1